

نگاهی به مقوله "بیکاری" در ایالات متحده

ونداد آکوچکیان

در گزارش اخیر "اداره آمار نیروی کار" ایالات متحده، به تاریخ ژوئیه ۲۰۰۹، بر اساس "داده های مبتنی بر مطالعه خانوارها" آمده است که:

در ماه ژوئیه، تعداد افراد بیکار (۱۴.۷ میلیون نفر) و نرخ بیکاری (۹.۵ درصد) است که نسبت به ماه پیش تغییرات ناچیزی را نشان می دهد. از شروع دوره رکود در دسامبر ۲۰۰۷ تاکنون، شمار افراد بیکار ۷.۲ میلیون نفر و نرخ بیکاری، ۴.۶ درصد افزایش داشته است. [i]

به علاوه، در همین ماه نرخ بیکاری- تعدیل شده فصلی- در بین مردان و زنان بالغ (یعنی افراد ۲۰ سال به بالا) به ترتیب ۱۰ و ۷.۶ درصد، نوجوانان (یعنی گروه سنی ۱۶ تا ۱۹ سال)، ۲۴ درصد، سفید پوستان ۸.۷ درصد، سیاه پوستان یا آمریکایی-آفریقایی ها، ۱۴.۷ درصد و هیسپانیک یا لاتین تبار ۱۲.۲ درصد می باشد که همگی نسبت به ماه گذشته، تغییرات ناچیزی را از خود نشان می دهند. [ii] در ضمن نرخ بیکاری برای افراد آسیایی بر مبنای داده های تعدیل نشده فصلی، ۸.۲٪ (معادل ۶۰۳ هزار نفر) است که نسبت به ماه مه، حدود ۱.۵٪ افزایش یافته است. [iii]

نرخ بیکاری رسمی- به تفکیک سن، نژاد و جنسیت- که مختصراً در بالا به آن اشاره شد، در جدول زیر آمده است [iv]:

نرخ بیکاری (درصد)	آوریل ۲۰۰۹	مه ۲۰۰۹	ژوئن ۲۰۰۹	تغییرات مه-ژوئن
تمامی کارگران	۸.۹	۹.۴	۹.۵	۰.۱
مردان بالغ	۹.۴	۹.۸	۱۰.۰	۰.۲
زنان بالغ	۷.۱	۷.۵	۷.۶	۰.۱
نوجوانان	۲۱.۵	۲۲.۷	۲۴.۰	۱.۳
سفیدپوستان	۸.۰	۸.۶	۸.۷	۰.۱
سیاه پوستان	۱۵.۰	۱۴.۹	۱۴.۷	۰.۲-
لاتین تبار	۱۱.۳	۱۲.۷	۱۲.۲	۰.۵-

در نمودار زیر هم، نرخ بیکاری رسمی (تعدیل شده فصلی) برای دوسال (ژوئن ۲۰۰۷ تا ژوئن ۲۰۰۹) نشان داده شده است:

اما همان طور که مختصراً در مطلب "نیم نگاهی به وضعیت جهان سرمایه داری" [v] گفتم، این آمار و ارقام اصولاً کمتر از میزان واقعی برآورد شده اند و به همین جهت، نمی توانند تصویر درستی از وضعیت بیکاری در ایالات متحده نشان دهند. نرخ بیکاری رسمی (که به صورت "کل افراد بیکار، به عنوان درصدی از نیروی کار غیرنظامی" تعریف می شود و به U-3 معروف است) چندین اشکال

اساسی دارد و در نتیجه، نمی توان آن را به عنوان یک معیار دقیق و بی چون و چرا برای بیکاری در نظر گرفت.

به زبان ساده و بدون آن که بخواهم به مسائل فنی وارد شوم، باید بگویم بزرگترین ضعف U-3 این است که گروه های زیر را در نظر نمی گیرد: کارگرانی که از جستجو برای کار منصرف شده اند با این وجود هم چنان خواهان یک شغل هستند، کارگرانی که احساس می کنند قادر به یافتن یک شغل نیستند و به همین جهت مجموعاً از جستجو برای یافتن شغل دست کشیده اند و کارگرانی که ناگزیر به علت وضعیت نامناسب اشتغال به سراغ مشاغلی می روند که به طور معمول آن ها را انتخاب نمی کنند. [vi]

در مقابل، U-6 تعریف دیگری از بیکاری است که موارد فوق را در نظر می گیرد و به همین خاطر، تصویر روشن تری از وضعیت بیکاری جامعه به دست می دهد. اما پیش از آن، اجازه دهید برای درک بهتر موضوع یک مثال ساده مطرح کنم:

"پیتر" و خواهر دوقلویش "پائولا" هر دو در شرکت الکترونیکی "های فای" (HyFy) مشغول به کار بوده اند؛ اما با ورشکستگی این شرکت، پیتر و پائولا هر دو کار خود را از دست می دهند. هر کدام از آن ها، چندین ماه بدون موفقیت به دنبال کار می گردند. پیتر به عدم موفقیت خود در یافتن یک شغل، از این منظر نگاه می کند که شاید کارفرمایان اصولاً از اسم "پیتر" خوششان نمی آید و به همین خاطر نسبت به او تبعیض قائل می شوند. بنابراین به این نتیجه می رسد که تلاش بیشتر، بیهوده خواهد بود. پس، از گشتن به دنبال کار منصرف می شود و ترجیح می دهد روی کاناپه خواهرش یک پهلو دراز بکشد و فی المثل پیتر را میل کند. این یعنی پیتر، کارگر مایوس یا ناامید (Discouraged Worker) است.

برعکس، پائولا به عدم موفقیت خود در پیدا کردن شغل، به عنوان یک "فرصت" نگاه می کند. او پس انداز خودش را به چند چک پول مسافرتی تبدیل می کند و به مسافرت در کشورش می پردازد تا بلکه بتواند رمانی بنویسد. در طول این سفر، پائولا به واقع قادر به کار کردن است، او مایل به داشتن یک کار هم هست و اگر کسی به او پیشنهاد شغلی دهد، قبول خواهد کرد، اما اساساً او به دنبال شغل نمی گردد. (یعنی هدفش نوشتن همان رمان است) به این ترتیب، پائولا در گروه "کارگران مایوس" قرار نمی گیرد، بلکه او هنوز تا حدودی جزئی از نیروی کار به شمار می رود. به کسانی مثل پائولا "Marginally Attached Worker" گفته می شود؛ با توجه به آن که معادلی برای این عبارت در فارسی تعیین نشده است، به طور قرار دادی در این نوشته می گویم "کارگرانی که تا حدودی جزو نیروی کار می باشند". [vii]

با این دو مثال، تعریف دقیق تری را که در گزارش اداره آمار نیروی کار در توضیح این نوع کارگران آمده است، مطرح می کنیم: "کسانی که در حال حاضر نه کار می کنند و نه به دنبال کار می گردند، اما اظهار می کنند که هم خواهان یک شغل هستند و هم این که برای آن شغل آمادگی دارند. کارگران مایوس، به عنوان زیر مجموعه ای از کارگرانی که تا حدودی جزو نیروی کار محسوب می گردند، کسانی هستند که بنا به دلایلی مرتبط با بازار کار، در حال حاضر به دنبال شغل نمی گردند. افرادی که بنا بر دلایل اقتصادی در مشاغل پاره وقت به استخدام در آمده اند، کسانی هستند که خواهان شغل تمام وقت می باشند و برای آن آمادگی دارند، اما بالأجبار مشاغل پاره وقت را پذیرفته اند" [viii]

در این نوشته، برای سادگی، کارگران مایوس و کارگرانی که تا حدودی در زمره نیروی کار قرار دارند را با حروف اختصاری D و M، افراد بیکار و نیروی کار بخش غیر نظامی را به ترتیب با U و L و کسانی را که به دلایل اقتصادی در مشاغل پاره وقت به استخدام درآمده اند را با P نشان داده ام.

با این توضیحات، به U-6 باز می گردیم:

طبق تعریف اداره آمار نیروی کار ((BLS، U-6 عبارتست از: «مجموع کل افراد بیکار به اضافه کارگرانی که تا حدودی جزو نیروی کار می باشند به اضافه کسانی که به علل اقتصادی در مشاغل پاره وقت استخدام شده اند» به عنوان درصدی از "نیروی کار در بخش غیر نظامی به اضافه کارگرانی که تا حدودی جزو نیروی کار می باشند" [ix]

یعنی:

و همان طور که اشاره شد، .

در جدول زیر مقایسه ای مابین نرخ بیکاری (بر مبنای U-3 و U-6) انجام شده است:

نرخ بیکاری

نرخ بیکاری (درصد)	داده های تعدیل شده فصلی					
	ژوئن ۲۰۰۸	فوریه ۲۰۰۹	مارس ۲۰۰۹	آوریل ۲۰۰۹	مه ۲۰۰۹	ژوئن ۲۰۰۹
U-3						
(نرخ بیکاری رسمی)	۵.۶	۸.۱	۸.۵	۸.۹	۹.۴	۹.۵
[x]U-6	۱۰.۱	۱۴.۸	۱۵.۶	۱۵.۸	۱۶.۴	۱۶.۵

Source: Bureau of labor statistics

نکته ای که در این میان نباید از قلم انداخت این است که افراد بیکار، نمی توانند به صورت نامحدود از بیمه بیکاری استفاده کنند و با گذشت یک دوره مشخص، مزایای بیمه بیکاری آن ها منقضی خواهد شد. هر چند این "مدت زمان" از ایالتی به ایالت دیگر فرق دارد، اما عمدتاً و در اکثر موارد، بیمه بیکاری تنها برای ۲۶ هفته پرداخت می شود. پس از آن، چنان چه بیکاری ادامه داشته باشد، بر مبنای U-3، دیگر شخص "بیکار" محسوب نمی شود (و این هم از آن دست شامورتی بازی های اقتصاد سرمایه داری است) به همین علت، U-3 (یا همان نرخ رسمی بیکاری) به هیچ وجه نمی تواند وضعیت بیکاری جامعه را به درستی نشان دهد و نتیجتاً، چندان قابل استناد نیست. [xi]

گرایش مارکسیست های انقلابی ایران (میلیتانت)، ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۹